

فصل اول

مقدمه

و چنان نیست که این قرآن از جانب غیر خدا [و] به دروغ ساخته شده باشد بلکه تصدیق [کننده] آنچه پیش از آن است می باشد و توضیحی از آن کتاب است که در آن تردیدی نیست [و] از پروردگار جهانیان است قرآن کریم سوره یونس آیه ۳۷

ماهیت اعجاز آور قرآن کریم در خصوص علوم مشخص است و این یک اثبات جاودانه ، تجدید پذیر و نوعی اثبات زنده است. قرآن کریم بیش از چهارده قرن پیش به بشر داده شد. پیشرفت های اخیر در علوم مختلف واقعیت های بی شماری را آشکار ساخته است. هیچ یک از این اکتشافات با یک آیه از قرآن کریم منافات ندارد. در حقیقت ، هر بار که دنیا در کشف جهان به موفقیت می رسد ، ما با اطمینان می فهمیم که کسی که این جهان را آفریده ، کسی است که قرآن کریم را نازل کرده است. این امر پر از واقعیت های مهمی است که در نقطه ای از تاریخ بشریت فاش شده است که هیچ کس احتمالاً نمی توانست آنها را بشناسد. قرآن کریم در مورد خاستگاه جهان ، عملکرد اجسام آسمانی ، مراحل رشد جنینی انسان ، الگوهای رفتاری گونه ها ، حقایق تاریخی و باستان شناسی و غیره صحبت می کند.

معجزه یک عمل الهی است که ناقض و فراتر از قوانین جهانی است که خداوند به پیامبران اعطا می کند تا مردم را به حقیقت پیام خود ترغیب کند. قرآن کریم برای توصیف این پدیده از کلمه "آیت" (به معنی "نشانه") استفاده می کند. این معجزات الهی به گونه ای طراحی شده است که توانایی درک افراد را به عنوان علائم قدرت ، دانش و اراده خداوند در مورد همه چیز در جهان فراهم می آورد. برای اینکه یک معجزه تأثیر کامل داشته باشد باید به حوزه دانشی مربوط شود که مخاطبان مورد نظر از آن آگاه هستند. از این طریق معجزه می تواند هدف خود را تحقق بخشد. از نظر تاریخی ، به هر پیامبر معجزه داده می شد و اینها توسط معاصران مربوطه قابل مشاهده بودند. پیامبر اکرم در زنجیره نبوت بی نظیر است ، زیرا برخلاف همه پیامبران قبلی ، او به عنوان پیامبر و پیامبر نهایی خدا برای تمام بشریت فرستاده شد. بنابراین ، این امر می طلبد که او یک معجزه جهانی داشته باشد که محدود به زمان یا ملاحظات جغرافیایی نباشد. هر فرد در هر مرحله از تاریخ بشر ، مهم نیست که او در کجا زندگی کرده

باشد ، با خود می اندیشد که: "اگر امروز حضرت محمد(ص) برای من پیامبر است. امروز می خواهم یک معجزه ببینم."

بر خلاف معجزات ملموس [نمونه ای از آن ، شکافتن دریا] از پیامبران قبلی ، اعجاز اصلی پیامبر گرامی اسلام گرچه معجزات دیگری نیز به او داده شد ، اما یک معجزه روشنفکرانه بود. تأثیر معجزات محسوس بیشترین تأثیر را بر شاهدان داشته و تأثیر کامل آنها با مرگ این شاهدان پایان خواهد یافت. اگر از یهودی یا مسیحی بخواهیم معجزات حضرت موسی(ع) یا عیسی(ع) را به ما نشان دهد - هر دو اظهار می دارند که اکنون نشان دادن هیچ یک از معجزات در اختیار انسان نیست. از موسی(ع) نمی توان درخواست کرد دریا را دوباره شکاف دهد و از پیامبر خدا حضرت عیسی(ع) نمی توان زنده کردن مردگان را درخواست کرد. برای ما امروز ، این معجزات چیزی بیش از گزارش های تاریخی نیست. اما اگر از یک مسلمان درباره بزرگترین معجزه پیامبر اکرم سؤال شود ، می تواند کتاب خود را به راحتی نشان دهد ، قرآن کریم - زیرا قرآن کریم معجزه ای است که در دست ماست. این یک کتاب برای همه افرادی است که مطالب آن را بررسی می کنند. غیر مؤمنان به طور طبیعی درمورد منبع دانش قرآن کریم توضیحاتی می خواهند. آتئیست ها استدلال می کنند که قرآن کریم محصول پرورده های فکری پیامبر اکرم است و یهودیان و مسیحیان می گویند که این از عهد عتیقه است و با ادبیاتی جدید بیان شده است. واقعیت این است که چنین اظهاراتی متعلق به دورانی نیست که قرآن کریم نازل شده است و هیچ کدام از این سخنان در عهد عتیق و جدید وجود ندارد. بدیهی است که هیچ کس نمی تواند تنوع دانش موجود در قرآن کریم را با خود داشته باشد. تنوع و کیفیت دانش دقیق در قرآن کریم نشان می دهد ،



بدون شک ، اینها سخنان یک انسان نیستند.

هیچ انسانی تاکنون کتابی جامع با چنین کمال مطلق و یقین دانش ننوشته است. هر کتاب نشان دهنده دانش در دسترس نویسنده در یک زمان و مکان خاص است و دانش بشری نیز همچنان پیشرفت می کند. در نتیجه ، هر کتابی که توسط یک انسان نوشته شده است پس از مدتی منسوخ می شود زیرا

اطلاعات آن پس از مدتی کاذب یا ناقص به نظر می رسد و نیاز به بازنگری یا نوشتن کتاب جدید را افزایش می دهد. نوشته های هر فیزیکدان ، دانشمند ، زیست شناس یا فیلسوف این مسئله را ثابت کرده است.

قرآن کریم حاوی بیش از ۶۰۰۰ آیه با بیش از ۷۰،۰۰۰ کلمه است ، اما این یک واقعیت است که یک کلمه ، عبارت ، جمله یا موضوع در زندگی امروزی لازم به تجدید نظر نیست. همچنین اینگونه است که یک نویسنده معمولاً از یک موضوع خاص یا چند موضوع مرتبط آگاهی دارد. به عنوان مثال ، می توان در مورد تاریخ و اقتصاد یا فلسفه یا فیزیک و غیره نوشت اما این امکان برای انسان فراهم نیست که همزمان با انواع زیادی از موضوعات مختلف با چنین اطلاعاتی عمیق و دقیق بنویسد. حتی یک خواننده گاه به گاه متوجه می شود که قرآن کریم در مورد موضوعاتی چنان با دقت بحث می کند که به نظر میرسد این ها مشاهدات یک متخصص و یک شاهد عینی است.

آیا قرآن کریم می تواند خطاهای علمی داشته باشد؟

باید به وضوح درک کرد که قرآن کریم کتاب علوم ، فلسفه ، زمین شناسی یا تاریخ نیست - این کتاب یک مکاشفه از طرف خدا برای هدایت بشر است. با این وجود ، اگر هر متخصص در زمینه های مختلف دانش ، آنچه را که قرآن کریم بیان می کند ، تحلیل کند. نتیجه می گیرد که قرآن کریم ، بدون شک ، نوشته مردی در قرن ۷ پس از میلاد مسیح نیست. ثابت شده است که هر نظریه علمی ، که از گذشته های تاریخی ، در مغایرت با قرآن کریم بوده است ، بی اساس و فاقد مدارک تجربی است. برعکس ، هر واقعیت علمی اثبات شده به طور مداوم با قرآن کریم موافق بوده است. غیرممکن است که بین عمل خداوند و کلام او تضاد وجود داشته باشد.

تعداد زیادی از مقالات وجود دارد که توسط مردم نوشته شده است ، بسیاری از آنها با توجه به منافع شخصی ، سعی در رد حقایق داشته اند که در قرآن کریم وجود دارد. برخی از این نوشته ها مبتنی بر تصورات غلط است ، یا از نظر دانشگاهی نادرست و در بعضی موارد دروغ های آشکار است. به همین دلیل متن عربی مربوطه نیز برای آیات قرآنی نقل شده در این کتاب گنجانده شده است. چرا که همه خوانندگان استقبال می کنند کلمات دقیق گفته شده توسط خداوند را تحلیل و مطالعه کنند تا ارزیابی و داوری کنند که آیا قرآن کریم واقعاً از جانب او [خالق] است یا توسط کسی که بیش از چهارده قرن پیش زندگی کرده است نوشته شده است. در حال حاضر تعدادی از لغت نامه های معتبر عربی وجود دارد که به زبانهای مختلف ترجمه شده اند ، در صورت تمایل به تحقیق در مورد کلمات استفاده شده در قرآن کریم میتوانید به آنها مراجعه کنید.

نکته آخر

همه ما وظیفه ای ارزشمند داریم که می خواهیم درک کنیم که ما واقعاً به عنوان افراد جامعه چه کسی هستیم و هدف از وجود ما چیست. حرکت برای مشخص کردن این حقیقت فقط توسط کسانی صورت می گیرد که زندگی را جدی می گیرند. خداوند در قرآن کریم به ما می گوید که اکثر مردم صرفاً

حدس و فرضیات را دنبال می کنند و نه واقعیت ها. یکی از پشیمانی های مردم جهنم این خواهد بود که آنها به اندازه کافی از عقل خود استفاده نکردند. از شما می خواهم مطالب این کتاب را با چشم انتقادی بررسی کنید. فرد باید نکاتی را که با هدف اساسی برای تعیین صحت آن و آمادگی برای عواقب آن ارائه شده ، مورد بررسی قرار دهد. اگر آنچه خدا از جهان توصیف می کند و می توانیم آنرا از نظر جسمی و بصری صد در صد ببینیم، واقعی باشیم - پس آنچه او در توصیف آنچه را که از نظر جسمی نمی توانیم ببینیم ، مانند داوری هر انسانی در روز رستاخیز ، مجازات های جهنم و نعمت ابدی بهشت ، به همان اندازه صادق است.

در نهایت ، برای هر نسل موفق ، قرآن کریم معانی جدید و مرتبط متناسب با پیشرفت دانش و رشد استعداد فکری آن نسل را ارائه می دهد. به عبارت دیگر ، قرآن کریم برای درک مداوم در حال رشد از نسل بشر کاربرد دارند ، با افزایش کاوشهای انسان از جهان و جستجوی او برای دانش در مورد زندگی و هستی ، این معانی گسترش می یابد. از این رو ما می دانیم که قرآن کریم فقط مختص یک قوم یا ملت نبوده ، بلکه به سود و راهنمایی همه آمده است. یک دین کامل و جامع ، که دانش را برای همه نسل ها فراهم می کند. اگر این آموزه ها به یک قرن یا نسلی محدود می شدند ، هدف ازلی و ماندگار قرآن کریم از مدت ها قبل از بین میرفت. با این حال ، قرآن کریم دائماً در حال بازسازی معنای جدید است و منبع مداوم هدایت را فراهم می کند.

فصل دوم

یکپارچگی علمی در قرآن کریم

وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا

قرآن کریم سوره یونس آیه ۳۷

و چه کسی در سخن از خدا راستگوتر است

"نظریه بیگ بنگ" - مقدمات تاریخی

جهان بسیار گسترده ای از زمان های بسیار دور مورد کنجکاوی بوده است. فلاسفه یونانی ، از جمله ارسطو ، اعتقاد داشتند که جهان همیشه وجود داشته است و این کار را تا ابد ادامه خواهد داد. این نظر همچنان دیدگاه اصلی محافل علمی در آغاز قرن بیستم بود ، که به طور مناسب با عنوان "نظریه حالت پایدار" شناخته می شد. حالت ابدی عالم به این معنی بود که هیچ نیازی ذاتی به خالق وجود ندارد - زیرا آنچه که آغاز ندارد ، نیازی به یک علت ندارد. با این حال ، پیشرفت در علم این دیدگاه را متلاشی می کند و اساساً ثابت می کند که جهان آغاز داشته است.

در سال ۱۹۲۲ ، الکساندر فریدمن ، فیزیکدان ، محاسباتی را انجام داد که نشان می دهد ساختار جهان ایستا نیست و حتی یک ضریب کوچک نیز می تواند کافی باشد که باعث شود کل ساختار بنا به نظریه انیشتین گسترش یابد یا منقبض شود. جورج لمیتایر اولین کسی بود که پیامدهای آنچه فریدمن نتیجه گرفت را تشخیص داد. لمیتایر بیان داشت که جهان در انفجار یک اتم کوچک و اولیه آغاز شده است. وی همچنین پیشنهاد کرد که میزان اشعه کیهانی بقایای باقی مانده از "انفجار" اولیه است.

ملاحظات نظری این دو دانشمند توجه زیادی را به خود جلب نکرد و احتمالاً از این رو به فراموشی سپرده شدند تا اینکه شواهد مشاهداتی جدید در سال ۱۹۲۹ دنیای علم را لرزاند. در آن سال ، ادوین هابل ، ستاره شناس آمریکایی ، یکی از مهمترین اکتشافات در تاریخ ستاره شناسی را انجام داد. وی دریافت که کهکشان ها با سرعتی مستقیم از ما فاصله می گیرند و نسبت به فاصله آنها از ما و یکدیگر فاصله می گیرند. جهانی که در آن همه چیز دائماً از همه چیز دور می شود دلالت بر یک جهان دائماً در حال گسترش دارد. استفن هاوکنگ می نویسد ، "گسترش جهان یکی از مهمترین اکتشافات فکری قرن